

آمیولاتس

ازبین برنده اماازبین نرونده



پوریا عالمی

● علی کفاشیان، رئیس فدراسیون چیزی که قبلا اسمش فوتبال بود و الان بهش می‌گویند شلم‌شوریا اما در کل آش‌کشک خاله است و به‌هرحال بخوریم نخوریم مبینی هست که هست، گفت، اما چی گفت؟ خودش به فارس گفت، چی گفت؟ گفت: «شیشه عمر مدیریت من در دست نتایج تیم‌ملی نیست.»

این چیز جدیدی نیست، در دوره‌ای از تاریخ معاصر اصولا شیشه عمر مدیران در دست نتایجشان نبود و اصولا این پهلوانان از شیشه نشکن استفاده می‌کردند.

[...]

علی کفاشیان هم از بقایای دوران مدیران شیشه‌عمرنشکن هستند. [...] و بعد از [...] و بعد از شمس‌الدین حسینی که بعد از مدیریت یک‌زیردوخمی‌اش در اقتصاد منجر شد تعریف اقتصاد در دنیا تغییر کند و علم اقتصاد زیر شاخه ستاره‌بینی و خرافات قرار بگیرد و البته بعد از مدیریت ده‌ها استاد دیگر در چندسال گذشته، ثابت شد که شیشه عمر مدیریت هیچ دانشمندی در دست نتایج و عملکرد کاری‌اش نیست، علی کفاشیان که جای خود دارد.

حکایت

وقتی علاءالدین عالی، که خبرنگار ورزشی بود به غول مرحله آخر رسید و علی کفاشیان را دید، درصدد برآمد شیشه عمر مدیریت او را پیدا کند و با شکستن شیشه عمر مدیریت کفاشیان برود مرحله بعد.

اما زهی خیال خام و زهی خیال باطل که شیشه عمر مدیریت کفاشیان اصلا ربطی به عملکردش و اصلا ربطی به علاءالدین نداشت، کفاشیان با واردکردن کدهای میانبری که در اینترنت پیدا کرده بود، توانسته بود مدیریتش را نامیرا و ازبین‌نرونده کند. علاءالدین عالی چون دید نمی‌تواند شیشه عمر مدیریت کفاشیان را بشکند، قلبش شکست چرا که از قدیم گفتند چون رسیدی به مدیران لایق و تخیلی، خودشکن، شیشه عمر مدیران لایق و تخیل شکستن خطاست.

پایان

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۳ • ۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ • ۱۹ ژانویه ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۴۱۵ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۳۷:۱۷ • اذان صبح فردا ۴۴:۵ • طلوع آفتاب ۱۲:۷

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



امین منتظری

قائم‌مقام بانک مرکزی: برای کاهش تورم از هفت روش پیچیده ریاضی استفاده کردیم



این کارت هویت سینمایی شماست!



برای دریافت این کارت اعتباری،

مشخصات خود را(نام، نام خانوادگی، کد ملی، شماره تلفن و حرفه)

به info@aecinema.ir ارسال فرمایید .



بابک زمانی متخصص مغز و اعصاب

روز شنبه (۲۷دی‌ماه) پرتیراژترین روزنامه صبح تهران تیترو اول صفحه اول خود را به این موضوع اختصاص داده بود که پزشکان با دریافت حق ویزیت برای «معاینه دوم» سودجویی می‌کنند. در ضمن به طبیب «جراحی» اشاره می‌کند که برخلاف بقیه برای یک معاینه «ساده» و چند «آزمایش ساده» ویزیت نمی‌گیرد و خاطره‌ای را تعریف می‌کند که بعد از چهارماه وقت گرفتن و دوساعت انتظار مجبور به معاینه ساده‌ای شده‌اند که در صورت تکرار هم باید پرداخت شود!

حال که بسیاری از مردم و رسانه‌ها مترصد کشف تمام ترفندهای سودجویانه طبیبان هستند بد نیست به مثال‌های دیگر این سودجویی که طبیبان به‌وفور به کار می‌گیرند، اشاره‌ای گذرا داشته باشیم. مثل زمان‌هایی که این طبیبان به‌دنبال یک معاینه وقت‌گیر طولانی یک قرص ساده هم به آدم نمی‌دهند، یعنی اصلا هیچ چیز روی آن کاغذ لغتنی نمی‌نویسند و برای یک «همه‌چیز طبیعی است» انتظار دارند ویزیت هم بگیرند! یا وقتی که بعد از اینکه سفره دل پیششان باز کردی و ببخودی یک

پرسشنامه طولانی را پر کردند و معاینه‌ات کردند تازه می‌گویند این به تخصص من مربوط نمی‌شود. ویزیت که هیچ، خسارت وقت تلف‌شده‌ا از بیمار را هم نمی‌دهند. بدتر از اینها همه این سودجویان بعضی وقت‌ها بعد از مدتی که معاینه کردند و پرونده‌هایشان را نوشتند و وقتی نامه مفصلی به هم‌کاری که شما را به او ارجاع داده، نوشتند حاکی از اصطلاحات پزشکی قلنبه‌سلنبه‌ا! و بعد از اینکه کلسی توضیحات به آدم دادند آدم اصلا نمی‌فهمد علت اصلی بیماری‌اش چی بوده، راستی چرا آدم باید وقتی نفهمیده علت بیماری‌اش چیست، ویزیت بپردازد؟ البته چیزی که بیشتر از همه دل آدم را درد می‌آورد، این است که کسانی این کار را می‌کنندکه کار خیلی تخصصی و پیچیده‌ای هم بلد نیستند. فقط از همین کار‌های ارزان و پیش‌پاافتاده مثل ویزیت «ساده» و معاینه «ساده» می‌کنند نه کارهای بزرگ و مهمی مثل جراحی قلب یا کارهایی ظریف و هنری مثل جراحی چشم و بینی.

خداییش نوشتن اسم چندتا دارو روی کاغذ یا گفتن چند جمله حرف باد هوا بیشتر از این می‌ارزد؟! اما وقتی عمیق به قضیه نگاه می‌کنی، متوجه می‌شوی این روش‌های سودجویی مثل دریافت ویزیت برای معاینه «دوم»، ممکن است به طبیبان عالیقدر که کارهای مهمی غیر از حرف زدن انجام می‌دهند هم سرایت کند و دفعه دوم

پرسه

میدان شکستن قلب‌ها

سابقه نداشت اما حالا همه دارند جدا می‌شوند، تا تقی به توقی می‌خورد از هم طلاق می‌گیرند. ما مانده‌ایم وسط دو نسل، نسل قبلی اصلا این‌کاره نبود و نسل الان که راحت این کار را می‌کند، «دادگاه خانواده هیچ‌وقت بهترین تصمیم زوج‌ها نبوده اما حالا قطعا به آخرین راه تبدیل شده. این را زن میانسالی می‌گوید که یک‌دست سیاه پوشیده و به‌قول خودش امروز تنها روزی است که در این دوسال، لیخند زده: «شوهرم مرد زندگی نبود، می‌دانستم که پنهانی دارد چه کارهایی می‌کند اما هربار که طلاق می‌خواستم می‌گفت نه، بالاخره بعد از دوسال زندگی، وکیلیم راضی‌اش کرد که از خیر این ازدواج بگذرد و وقتی که امروز رای صادر شد، برگشت و به من گفت از مهریه می‌ترسیدم. آخه آدم چه‌طور می‌تواند خودش و یکی دیگر را بدبخت کند به‌خاطر چندرغاز پول، کاش راهی بود که خانم‌ها راحت‌تر می‌توانستند حرفشان را به دادگاه بزنند و طلاق بگیرند.» سر ظهر، برف مرطوبی شروع به باریدن می‌کند و آنهایی که دور میدان، منتظر وقت دادگاهشان هستند، سردشان می‌شود؛ گویی پیش از آنکه تنها شوند، از ترس تنهایی می‌لرزند.

همین حوالی

مردم بهترین انتخاب‌کنندگان‌اند

کمک آموزشی از دوره پیش‌دبستان تا دوره کنکور کتاب تولید می‌کند. اینها در کارشان محتوایی افزون بر کتاب‌های درسی ندارند، بلکه تنها با کتاب‌هایشان شیوه تست‌زنی یا روش‌های فرموله‌کردن اطلاعات درون کتاب‌های رسمی را در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارند. بنابراین مردم در این میان از دو سو می‌خورند؛ یکی از آموزش‌وپرورش که راه نوگرایی و کتاب‌های آموزشی خلاق را بسته است و دیگر از ناشران کتاب‌های کمک‌آموزشی که چیزی به دانش این کودکان جز شیوه تست‌زنی و حافظه‌محوری نمی‌افزایند که البته به این کار دانش‌اندوزی نمی‌گویند. و این یعنی آموزش اجباری اجباری. چون دو اجبار در کنار هم می‌آید، هردو نافی و ناقض هم می‌شوند. هنگامی‌که به آموزش اجباری اجباری می‌پردازیم، ما، هم کودکان را مجبور به آموختن می‌کنیم و هم مواد و متن‌های درک‌ناپذیر در برابر آنها می‌گذاریم و می‌گوییم: تو مجبوری درس بخوانی! و تو مجبوری این متن‌ها را بخوانی! آنگاه به همین جایی خواهیم رسید که اکنون رسیده‌ایم. اما راه گشایش چیست؟ اینکه نهاد آموزش‌وپرورش و البته درکنار آن سازمان بهزیستی این اصل را ملکه ذهن خود کنند که برای گسترش آموزش خلاق و نوآور باید تنها با یک دست یک هندوانه برداشت و آن هندوانه نظارت و بسترسازی است و هندوانه‌های دیگر را گذاشت که خود مردم با دستشان بردارند. بنابراین بیاییم راه انتخاب محتوای آموزشی را به خود مردم و نهادهای مردمی بسپاریم، باور کنید مردم بهترین انتخاب‌کنندگان هستند.

فردا گذرانی

شده است. این نمایشگاه تا دوم‌بهمن ادامه دارد. علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند به نشانی خیابان پاسداران، گلستان‌دوم (فلاح‌زاده) شماره ۱۲۰نکارخانه مینا مراجعه کنند.

هنرمند به نمایش گذاشته شده، این نمایشگاه با هدف حمایت از ورزش سوارکاری و بازی چوگان (این بدیده ایرانی و کهن‌ترین بازی جهان) و همچنین ارج‌نهادن به هنرهای تجسمی و هنرمندان آن برنامه‌ریزی

● آثار علی اصغر قره‌باغی بار دیگر بر دیوارهای نگارخانه مینا آویخته شد. در این نمایشگاه که همچون نمایشگاه قبلی این هنرمند «۶۰سال عشق نهانی» نام دارد، ۹۰تابلوی سوارکاری، اسب و بازی چوگان از این